

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۱۰، شماره پیاپی ۲۰
پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۳۴-۹

مطالعه انسان‌شناختی مواجهه دختران با مفهوم باکرگی مطالعه موردی: دختران مجرد ۱۸ تا ۳۰ ساله

مرضیه مددی دارستانی^۱
امیلیا نرسیسیانس^۲

تاریخ دریافت: ۴۰۰/۷/۲۶

تاریخ پذیرش: ۴۰۰/۸/۲۳

چکیده

در این تحقیق به بررسی و مطالعه درک و مواجهه دختران نسل جدید با مفهوم باکرگی می‌پردازیم. محوریت تحقیق، تجربه زیسته دخترانی است که رابطه جنسی آزاد داشته‌اند و هرکدام در مواجهه با باکرگی و عدم باکرگی تصمیم‌های متفاوتی برای بدن و سرنوشت خود گرفته‌اند. در بخش نظری از نظریه پاکي و خطر مری داگلاس^۳ به دلیل هم‌پوشانی با مسئله بکارت در ایران و ارتباط پاکي و ناپاکي بدن در مقوله باکرگی استفاده شده است. در بخش روش، محوریت تحقیق، مردم‌نگاری و کار میدانی بوده است. در این پژوهش با ۵۵ مشارکت‌کننده مصاحبه انجام شده است. شرکت‌کنندگان ۱۸ تا ۳۰ ساله، مجرد، دارای تحصیلات دانشگاهی و از نظر اقتصادی و اجتماعی در سطح متوسط و متوسط رو به بالا هستند. درک و مواجهه دختران جدید نسبت به باکرگی درکی مبهم و پیچیده است. نسل جوان با درگیری و تناقض بین خواسته‌های فردی در امر جنسی و فشارهای اجتماعی در ارتباط با ارزشمندی بکارت دختران، با وجود هنجارشکنی اولیه در انتها مجبور به تبعیت و پذیرش هنجارهای غالب می‌شوند و برای پذیرش مجدد در اجتماع و ارائه بکارت فیزیکی، به عمل‌های ترمیم بکارت روی می‌آورند.

واژه‌های کلیدی: باکرگی، بدن زنانه، بکارت، ترمیم بکارت، مشروعیت‌پذیری، هویت اجتماعی.

۱ دانشجوی دکتری انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
madadimarziyeh1@gmail.com

۲ دانشیار گروه انسان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

3. Mary Douglas

مقدمه

بدن فقط یک کالبد زیستی نیست، بلکه برساختی اجتماعی است که از عوامل مختلفی مانند فرهنگ، دین، جنسیت، اجتماع و تاریخ تأثیر می‌پذیرد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در این میان بدن زنانه موضوعی برای مناقشات و کنترل‌های اجتماعی، ارزشی و اخلاقی است. بدن زنانه زمانی که با اهمیت دخترانگی و حفظ بکارت در جامعه همراه می‌شود، فشار مضاعفی را تحمل می‌کند و هویت و زندگی زنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در طول تاریخ و در پژوهش‌های مختلف علمی، ادبی و هنری، بدن زنانه همیشه در تضاد و تقابل با بدن مردانه قرار داشته و تفاوت‌های جنسی و جنسیتی، مردانگی، زنانگی و هویت جنسی را تعریف و تعیین می‌کند. همان‌طور که گیدنز در کتاب *جامعه‌شناسی خود بیان می‌کند*: «تفاوت‌های جنسی نفوذ و تأثیر فوق‌العاده‌ای در زندگی ما دارند. معمولاً ما حتی به این تفاوت‌های جنسی توجه هم نمی‌کنیم، به دلیل اینکه همه جا و همیشه حضور دارند. این تفاوت‌های جنسی از همان بدو تولد در ما ریشه می‌دوانند. درک و تلقی‌های ما از هویت جنسیتی و نیز ایستارهای جنسی و گرایش‌های مربوط به آن‌ها، آن‌قدر زود در ما شکل می‌گیرد که در بزرگسالی آن‌ها را بدیهی می‌انگاریم. ولی جنسیت چیزی نیست که به‌خودی‌خود وجود داشته باشد. همه ما در کنش‌های متقابل روزانه‌مان با دیگران به جنسیت فعلیت می‌بخشیم» (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۵۵).

زن و مرد بودن، هویت‌ها و مفاهیم اکتسابی هستند که از کودکی آن‌ها را می‌آموزیم و بنا به درخواست جامعه هنجارهای مرتبط با این نقش‌ها را در خود درونی می‌کنیم. براساس هنجارهای ارزشی، بدن خود را کنترل و مدیریت می‌کنیم. در صورت عبور از ارزش‌های تعریف‌شده برای زنانگی و مردانی، فرد منحرف، کج‌رو و گناهکار شناخته می‌شود. در جوامعی که نابرابری جنسیتی وجود دارد و فرهنگ مردسالاری حاکم است، محدودیت‌ها، خودکنترلی‌ها و در برخی موارد آزار و خشونت نسبت به زنان بیشتر از مردان است؛ زیرا به دلیل الگوی فرهنگی غالب در جامعه، زنان متولی پاکی و عفت در جامعه هستند و مسئولیت بیشتری در قبال ارزش‌های حاکم دارند.

طرح مسئله

از دیرباز همه دختران دو هویت جداگانه داشته‌اند؛ کالبدی زیستی که مانند همه انسان‌ها است. اما یک دخترانگی جداگانه نیز وجود دارد که نقش پررنگی در هویت و زندگی دختران ایفا می‌کند؛ دخترانگی‌ای که وابسته به عضو کوچک و در عین حال مهمی است که سرتاسر زندگی فردی و اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

همواره زنان نسل گذشته دختران را از این دخترانگی ترسانده‌اند و هشدار داده‌اند که دختر باید مواظب دخترانگی خود باشد؛ مواظبت یعنی پرهیز از پرش از ارتفاع، دوچرخه‌سواری، بازی‌های رزمی و هر نوع ورزش و سرگرمی که تحرک زیاد داشته باشد. این دخترانگی و هویت اجتماعی با مفهومی به نام بکارت گره خورده است. با این حال آموزش‌های ضروری در این مورد به دختران داده نشده و هشدارهای مداوم جای این آموزش‌ها را گرفته است.

شاید در نگاه اول بحث باکره‌بودن یا نبودن یک فرد موضوعی ساده و شخصی به نظر بیاید، اما با کمی مطالعه و دقت می‌توان دریافت این مسئله با جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، آسیب‌های اجتماعی، نظام خویشاوندی، قومیت‌ها و روابط سیاسی گروه‌ها و اقوام، وابستگی نزدیک دارد. در جامعه کنونی، تمام قوانین و الگوهای ارزشی، اخلاقی و فرهنگی در رابطه با جنسیت و روابط دختر و پسر در ساختار کلی جامعه وجود دارد و سعی بر حفظ آن‌ها است، اما در زندگی روزمره و لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی شاهد روابط و رفتارهای متناقض با ساختارهای کلان هستیم که گاه می‌تواند تعبیری از مقاومت یا پذیرش و مشروعیت‌یابی مجدد در جامعه باشد. جوانان نسبت به گذشته روابط آزاد بیشتری را قبل از ازدواج تجربه می‌کنند، دختران جوان با آگاهی از حقوق خود این را حق خود می‌دانند که برای روابط شخصی و اجتماعی خود به صورت مستقل تصمیم بگیرند و از آن لذت ببرند. از طرفی ترس از دست‌دادن آبرو و موقعیت خود در خانواده، اجتماع و ازدست‌دادن موقعیت‌های خوب ازدواج و سایر عوامل موجب می‌شود روابط جنسی و عاطفی خود را آشکار نکنند و به‌عنوان یک راز نزد خود نگاه دارند. این رازداری زمانی که با آگاهی درست و آموزش‌های لازم جنسی همراه نباشد، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت.

سؤالات پژوهش

دغدغه اصلی در این پژوهش پاسخگویی به این سؤالات است که نسل جوان به‌ویژه دختران چه درکی از باکرگی دارند و در مواجهه با مفهوم بکارت چگونه عمل می‌کنند؟

ادبیات پژوهشی

مقالات و تحقیق‌ها حول محور بحث باکرگی و بدن در سه دسته قرار می‌گیرند: مقالاتی که به بحث مشروعیت‌پذیری پرداخته‌اند مانند مقاله «برای یک قطره خون» نوشته آیوندینی^۱ که به ارتباط بین دین، فرهنگ و باکرگی پرداخته است. آدلن نیز در تحقیقش با عنوان «باکرگی به‌عنوان یک معنای ذهنی» به بعد روان‌شناختی بکارت پرداخته است. همچنین برخی

1 Sherria Ayuandini

مطالعات، به این موضوع پرداخته‌اند که چگونه افراد از نظر ذهنی و برای نمایش خود در جامعه سعی در باکره جلوه‌دادن دارند. گروه دوم مانند آزال احمدی در مطالعه «ترمیم بکارت، شکلی از مقاومت در ایران» و ویمبای و شارون در «باکرگی و نابرابری جنسی در زیمبابوه» به بحث مقاومت در ارتباط با بکارت پرداخته‌اند. افراد با ازدست‌دادن باکرگی خود و ترمیم دوباره آن سعی در هنجارشکنی و مقابله با هنجارهای غالب در جامعه دارند. گروه دوم از تحقیقات به‌نوعی به ارتباط قدرت و مقاومت در جامعه پرداخته‌اند. چارچوب نظری آن‌ها نظریات فوکو بوده است. بی‌توجهی به بکارت از سمت دختران نسل جوان را نوعی مقاومت در برابر قدرت‌های پراکنده دانسته‌اند که فرد با داشتن رابطه جنسی آزاد قبل از ازدواج به تخطی از ارزش‌ها و الگوهای تعریف‌شده می‌پردازد. گروه آخر، تحقیقاتی هستند که به بعد فرهنگی و ارزشی بکارت در کارهایشان پرداخته‌اند، مانند مقاله کارپینتر با عنوان «جنسیت و معنای ازدست‌دادن باکرگی در ایالات متحده آمریکا» و مقاله ناگیال با عنوان «باکرگی؛ تجدیدنظر در قلمروی نامعلوم». این افراد به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی ارزشمندی بکارت در جوامع مختلف پرداخته‌اند و علت‌ها و معلول‌های گوناگون آن را بررسی کرده‌اند. این گروه از تحقیقات، مناسک و سنن مختلف در ارتباط با بکارت، موارد تابو و ممنوعیت باکرگی و بحث تبعیض جنسیتی در فرهنگ را که حفظ بکارت را فقط وظیفه زن می‌دانند بررسی و مطالعه کرده‌اند.

روش و میدان

حساسیت موضوع تحقیق، ما را به سوی روش کیفی به‌منظور درک بهتر زبان روایت‌ها، توصیف عمیق و فرجه از میدان و وقایع و افراد هدایت کرد. در قسمت روش‌های جمع‌آوری اطلاعات، روش عمده مردم‌نگاری توأم با مصاحبه‌های عمیق، مشاهده در میدان و مشاهده مشارکتی بوده است. در بخشی از تحقیق، به‌دلیل شیوع ویروس کرونا و ازدست‌دادن میدان به‌صورت فیزیکی و حضوری، از روش مردم‌نگاری دیجیتالی و مردم‌نگاری وصله‌ای^۱ استفاده کردیم. دلیل استفاده از این روش، بیماری همه‌گیر کرونا بود که پژوهش‌های میدانی محققان، از جمله انسان‌شناسان را مختل کرده است. روش مردم‌نگاری دیجیتالی افق جدیدی برای پژوهشگران می‌گشاید تا خلأ دسترسی منظم به میدان را جبران و با ابداع روش‌هایی، ادامه تحقیقات را میسر کند. برخلاف مردم‌نگاری مرسوم، مردم‌نگاری دیجیتال شامل تجزیه و تحلیل ساختارهای اجتماعی و فرهنگی از طریق دنیای مجازی است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که بهبود رسانه‌های دیجیتالی ارتباطات، بر تکنیک‌ها و فرایندهای مردم‌نگاری که از چند دهه گذشته درگیر آن

1 patchwork ethnography

بوده‌ایم تأثیر گذاشته است. درمورد مردم‌نگاری دیجیتال، ماهیت ارتباطی که مردم‌نگار با مخاطبان در میان می‌گذارد بیشتر از طریق واسطه است (گاش، ۲۰۲۰: ۲).

می‌توان از مردم‌نگاری دیجیتال برای انجام تحقیقات عمیق از طریق گفت‌وگوهای طولانی و پایدار با گفت‌وگوکنندگان در بسترهای مجازی و تماس‌های تصویری استفاده کرد. چنین بسترهایی، فضای منحصربه‌فرد را برای محقق و مشارکت‌کننده فراهم می‌کند تا افکار و روایات خود را بدون ترس از دخالت خارجی بیان کنند (همان: ۲).

در روش مردم‌نگاری وصله‌ای، بازدیدهای کوتاه‌مدت با استفاده از داده‌های پراکنده اما در عین حال دقیق و سایر نوآوری‌ها که در برابر ثبات، کل‌گرایی و قطعیت مقاومت می‌کنند، محور کار هستند. مردم‌نگاری وصله‌ای به ما کمک می‌کند آنچه را که به‌عنوان دانش حساب می‌شود و آنچه را که دانش حساب نمی‌شود، چیزهایی را که می‌دانیم و نمی‌دانیم را دسته‌بندی کنیم. همچنین کمک می‌کند واقعیت‌هایی را که برای ما به‌عنوان محدودیت توصیف شده‌اند، به روزه‌هایی برای بینش جدید تبدیل کنیم (گونل و همکاران، ۲۰۲۰).

در این پروژه ۵۵ مصاحبه انجام شد: ۲۰ مصاحبه با دخترانی که رابطه جنسی را تجربه کرده‌اند، باکره نیستند و اعتقادی به بکارت ندارند و عمل‌های ترمیم بکارت را ابزار خشونت و توهین به زنان می‌دانند، و ۲۰ مصاحبه با دخترانی که رابطه جنسی داشته‌اند، باکره نیستند و بنا به دلایل مختلف به دنبال عمل ترمیم بکارت هستند و آن را راه نجاتی برای خود می‌دانند. همچنین به دلیل نقش پررنگ پسران در فرایند عمل‌های ترمیم بکارت و تأثیر بر نوع نگاه دختران به بدنشان، ۱۰ مصاحبه با پسران انجام دادیم. ۵ مصاحبه با پزشکان و متخصص زنان و زایمان انجام دادیم تا درک بهتری از بعد پزشکی و نگاه پزشکان به عمل ترمیم بکارت و نکات تخصصی پزشکی در این زمینه داشته باشیم. البته در کنار نکات تخصصی، بسیاری از این پزشکان روایت‌کننده افراد مراجعه‌کننده بودند و از آن طریق هم اطلاعاتی درمورد دلایل و اهداف افراد برای عمل ترمیم بکارت و تجربه زیسته آن‌ها با مفهوم باکرگی به دست آوردیم. رده سنی افراد شرکت‌کننده را ۱۸ تا ۳۰ سال در نظر گرفتیم. تمام مصاحبه‌شوندگان از سطوح مختلف تحصیلات دانشگاهی برخوردارند و از نظر سطح اقتصادی و اجتماعی، همه افراد در سطح متوسط و متوسط رو به بالا قرار دارند.

ادبیات نظری

مناسب‌ترین نظریه که هم‌پوشانی خوبی با مفاهیم اصلی تحقیق دارد، نظریه پاک‌ی و خطر مری داگلاس است. مری داگلاس در کارش به مفاهیمی مانند، نمادها، تابو، آلودگی و پاک‌ی پرداخته

است. مفاهیمی که در تحقیق حاضر نقش کلیدی دارند. از نظر او ناپاکی یک رویداد یگانه و قائم به ذات نیست. هر جا ناپاکی وجود داشته باشد، نظام نیز وجود دارد.

ناپاکی برآیند ضمنی یک طبقه‌بندی سازمان‌یافته از موقعیت‌ها است؛ بنابراین همان‌گونه که اعتقادات مربوط به ناپاکی را می‌آزماییم، درمی‌یابیم که نوع برخوردهایی که خطرناک تصور می‌شود بار نمادین دارد. اما در سطحی جالب‌تر در آن، اعتقادات با زندگی اجتماعی رابطه پیدا می‌کند (داگلاس، ۱۹۶۶: ۵۱). به عقیده داگلاس، موقعیت‌های مختلف در زندگی، اعتقادات افراد نسبت به موارد تابو و پاکی و ناپاکی را مشخص و تعریف می‌کنند و بنا به موقعیت، بار نمادین آن‌ها متفاوت است. داگلاس معتقد است در نظر گرفتن ناپاکی به‌عنوان چیزی که باید از محل دور شود، دلالت بر دو مفهوم دارد: از یک سو ایجاد ارتباطات دستوری و از سوی دیگر تحلف از آن دستورها. او معتقد است ناپاکی دلالت بر یک ساختار اعتقادی دارد و در واقع ایجاد نوعی طبقه‌بندی برای همه رویدادهاست. در نظریات داگلاس، ناپاکی ایجاد خطر و ترس می‌کند و به تابو تبدیل می‌شود؛ چون برهم‌زننده نظم است و این بی‌نظمی از راه عبور و قطع کردن مرزهایی که در اطراف یک ساختار اجتماعی کشیده شده است پدید می‌آید و ایجاد رعب و وحشت می‌کند. مناسک راه‌حل عبور از تابوها و جایگزین کردن امنیت به‌جای ترس است؛ مناسکی که به عقیده داگلاس نه در تمایلات روان‌شناسانه افراد، بلکه در بستر فرهنگی هر جامعه شکل می‌گیرد. هر نوع گذر از مرز در خارج از مناسک که در فرهنگ نهادینه شده‌اند، خطر بزرگی به حساب می‌آید؛ زیرا می‌تواند نظم را بار دیگر به بی‌نظمی تبدیل کند. با این درک است که می‌توان معنی و مفهوم بسیاری از آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها را درک کرد و به‌ویژه فهمید که چرا آلودگی‌ها همواره در نقاط مرزی (مثلاً هنگام خروج از کالبد انسانی مانند خون، عرق، ادرار و...) بیشترین واهمه و اشکال تابویی را ایجاد می‌کنند (همان: ۹۵). داگلاس معتقد است پیکره اجتماعی، نحوه درک بدن فیزیکی را مقید می‌کند و آنچه از خلال کنش پیکره اجتماعی با بدن فیزیکی حاصل می‌شود، در بدن به‌عنوان یک رسانه محدود ابراز می‌شود. او در بررسی جوامع و فرهنگ‌های انسانی از نمادها استفاده کرده است. نمادها در نظریه او، عواملی برای به‌نظم درآوردن بی‌نظمی‌های موجود به‌شمار می‌روند. بدن و تجربه‌های روزمره و معمولی که توسط بدن صورت می‌گیرد، در نظریات داگلاس نقش بزرگی را به‌عنوان نماد بازی می‌کنند (داگلاس به نقل از انواری، ۱۳۹۸: ۲۶).

در تحقیق حاضر، بدن به‌ویژه بدن زنانه و باکرگی را نمادهایی در نظر گرفتیم که پاکی و ناپاکی بر مبنای آن‌ها تعریف و مشخص می‌شود. بنا بر نظریه داگلاس، اگر این نمادها از نظم اجتماعی خارج شوند، منشأ آلودگی و تابو محسوب می‌شوند. از زمان‌های قدیم، برای حفظ پاکی بدن و بکارت زنان مناسک، قوانین و هنجارهای مختلفی تعریف شده است. مناسکی چون

ازدواج را راهی برای حفظ نظم در روابط جنسی تعریف کردند که عدول از آن و تجربه رابطه جنسی قبل از ازدواج موجب بدنامی و آلودگی افراد می‌شود. انضباط و قوانین خاص کنترل بر بدن به‌ویژه بدن زنانه مانند خویشن‌داری جنسی، پنهان کردن آلودگی‌هایی مانند خون عادت ماهانه، پنهان کردن برجستگی‌های بدنی در قالب حجاب و ارزش‌های دینی همگی مواردی برای تعریف پاکی و ناپاکی و حفظ نظم در جامعه بوده است.

در نسل امروز به‌دلیل تغییرات اجتماعی و فرهنگی، روابط جنسی قبل از ازدواج گسترش بیشتری پیدا کرده است. جوانان روابط جنسی آزادانه را تجربه می‌کنند، اما براساس ارزش‌های جامعه شاید در برخی موارد به باور و نگاه خودشان، آلوده انگاشته شوند و به حاشیه رانده شوند که البته این امر در مورد دختران با شدت بیشتری نسبت به پسران وجود دارد. در همین راستا عمل ترمیم بکارت را نوعی منسک گذر از آلودگی به پاکی و حفظ نظم و عدم تخطی از آن از نظر داگلاس می‌دانیم. همچنین والدین، آموزه‌های دینی، پزشکی شدن بدن در رابطه با بکارت و برخی چشم‌پوشی‌های فرهنگی در سطح اجتماع، سعی دارند با ایجاد برخی میانبرها مانند ازدواج، ترمیم بکارت، گرفتن گواهی سلامت دختر، ممنوعیت و نفی روابط جنسی و روابط دختر و پسر، آلودگی را از بدن‌ها پاک کنند و با بدن‌های کنترل‌شده و پاک، چرخه نظم را در جامعه بار دیگر برقرار کنند. رابطه جنسی و باکره‌نبودن، تابوهایی هستند که البته نه به‌شدت گذشته حداقل در کلان‌شهرها، اما در جوامع کوچک‌تر همچنان برقرار هستند و افراد را تشویق به دوری از آن‌ها می‌کند.

یافته‌ها (صدای روایت‌ها)

باکرگی مؤلفه‌ای است که در تقاطع با جنبه‌های مختلف، هویت زنانه را می‌سازد و زنان خودشان را با آن می‌شناسند و تعریف می‌کنند. در این مقاله باکرگی را مؤلفه‌ای در نظر می‌گیریم که در تقاطع و در روابط متقابل با ابعاد متفاوت از قبیل فرهنگی-اجتماعی، دینی-حقوقی و پزشکی است، که ذیلاً به آن پرداخته خواهد شد.

۱. بعد فرهنگی-اجتماعی

در این تحقیق به‌دلیل اهمیت بیشتر برخی ابعاد اجتماعی و فرهنگی در ارتباط با بکارت، مانند آموزش جنسی، فرهنگ مردسالار و خشونت علیه زنان، و نیز نقش دین و پزشکی، مفهوم باکرگی را در تقاطع با ابعاد فرهنگی ذکر شده بررسی و مطالعه می‌کنیم. زمانی که از فرهنگ سخن می‌گوییم، منظورمان تمام جنبه‌ها و ابعادی است که به زندگی و هویت ما از کودکی شکل می‌دهند، مانند زبان، مناسک، بایدها و نبایدهای اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی حاکم در

جامعه، هنجارها، تاریخ و سرگذشت نیاکانمان. فرهنگ همان‌طور که در تمامی امور زندگی نقش پررنگی ایفا می‌کند، در حوزه جنسیت و بدن هم تأثیر بسزایی دارد. فرهنگ یک امر پویاست و در زمان و مکان‌های مختلف، متفاوت عمل می‌کند. به همین دلیل است که جوامع مختلف رویکردهای متفاوتی به عوامل گوناگون به‌ویژه بدن و جنسیت دارند.

در جوامع سنتی بکارت یک زن پیش از ازدواج، جدای از دلایل آن، آبروی خانواده‌اش را در رابطه با خانواده‌ای که از طریق ازدواج با هم پیوند می‌یابند، تضمین می‌کند. در این جوامع، حجب و حیای دختر تشویق و میل جنسی او کنترل می‌شود. اگرچه رابطه جنسی قبل از ازدواج برای مردان هم قابل قبول نیست، برای زن نشانه بی‌ارزش بودن اوست و تنها فضای مشروع برای ارضای میل جنسی او، ازدواج و تشکیل خانواده است.

موضوع بکارت حتی بعد از مرگ دختران هم حائز اهمیت است (موسوی، ۱۳۹۷). «وقتی یک دختر جوان خودکشی می‌کند یا به قتل می‌رسد، سؤالی که خیلی از افراد به دنبالش هستند، این است که آیا از نظر بکارت معاینه شده. آیا آسیب دیده؟ وقتی مرگ مشکوکی اتفاق می‌افتد، معاینه بکارت جزء فرایند قانونی و پزشکی است که باید طی شود. این یعنی تأیید و اهمیت‌دادن ما به بحث باکرگی» (دکتر محمدی، متخصص زنان و زایمان). بدین ترتیب می‌بینیم که همچنان در ناخودآگاه جمعی جامعه، هر جایی که صحبت از قتل‌های ناموسی، خشونت‌های جنسی و جسمی است و افراد به دنبال علل حادثه می‌گردند، اهمیت بکارت در صدر امور قرار دارد؛ زیرا همچنان این مفهوم پیوند نزدیکی با مفاهیم غیرت، ناموس، پاکدامنی و عفاف دارد. تأثیر جامعه در حفظ بکارت را می‌توان از نقل قول زیر درک کرد: «من با اینکه هیچ وقت از سمت خانواده درمورد موضوع باکرگی تحت فشار نبودم و خیلی بهش اشاره‌ای نمی‌شد، خودم دغدغه اجتماع رو داشتم. تا ۲۳ سالگی همیشه این تو ذهنم بود که اگر من بکارتمو از دست بدم دیگه نمی‌تونم مثل آدم‌های معمولی ازدواج کنم. یا ممکنه من از یک آدمی خوشم بیاد و اون با این قضیه مشکل داشته باشه» (شیرین ۲۶ ساله از شیراز). در دوگانگی پاکی / آلودگی بکارت می‌توان تأثیرات گفتمان‌های پرستیژ را بر روابط جنسیتی و بین جنسیتی مشاهده کرد. با یک نگاه گذرا، بکر بودن و پاکی‌ای که با آن در ارتباط است با ایده حیثیت عجین شده است. «یک باکره، یک زن نخبه در میان زنان است، منع شده، دست‌نخورده، منحصر به فرد» (کوپر و همکاران، ۲۰۱۰: ۴۱-۴۲).

۱-۱. آگاهی یا ناآگاهی و آموزش جنسی

سالیان طولانی و همچنین امروزه به دلیل ممنوع بودن مسائل جنسی و قبح صحبت درمورد آن، بسیاری از افراد اطلاعات و آموزش‌های جنسی را از روش‌های غیراصولی می‌آموزند. خانواده

مهم‌ترین و مهم‌ترین نهادی است که می‌تواند از کودکی آموزش‌های جنسی لازم را به فرزندان بدهد و آگاهی‌های درست و برخی هنجارها را از کودکی در افراد نهادینه کند: ارزش‌ها، مهارت‌ها و اطلاعات جنسی درست، بدون تعصبات و کلیشه‌های جنسیتی. اگر افراد از کودکی در محیط خانواده با این مفاهیم آشنا شوند و به کنجکاوی‌ها و سؤالات آن‌ها به‌درستی پاسخ داده شود، به‌احتمال زیاد آسیب‌ها و تناقضات جنسی کمتری را در جامعه و بزرگسالی تجربه خواهند کرد. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«ما در خانواده خیلی صمیمی هستیم. خیلی نزدیکیم به هم. اما در مورد مسائل جنسی نه! هیچ وقت نشده که به‌طور جدی بشینیم و با هم صحبت کنیم. انگار به جوری خط قرمز تو خانواده. تصور می‌کنم این مسئله و به‌خصوص بحث باکرگی برای خانواده ما تابو هست و برای همه‌مون اهمیت داره» (پیام، ۲۸ ساله از تهران).

آرش در این مورد معتقد است:

«تو خانواده ما هیچ وقت در مورد مسائل جنسی حرفی زده نمی‌شد و نمی‌شه و به ما چیزی نمی‌گفتن. ما تا یک سنی فکر می‌کردیم حاصل سفر لک لک‌ها هستیم. جامعه ما رو با مسائل این چنینی آشنا کرد که البته این ایراده و نقد به خانواده هست که به ما آموزش ندادند» (آرش ۲۵ ساله از اراک).

شیوا هم در مورد مطرح‌شدن مسائل جنسی در محیط خانواده می‌گوید:

«صمیمت بین ما خوبه و حتی پدرم اطلاع داره که من دوست پسر دارم. البته به روی من نمی‌آره، اما می‌دونم که در جریان هست. با مادرم هم خیلی راحت هستیم، اما در مورد مسائل جنسی خیلی با هم صحبت نمی‌کنیم؛ مثلاً مادرم می‌دونه که من خونه دوست پسر می‌رم، اما جزئیات رو با هم در میون نمی‌ذاریم. من رابطه خیلی خوبی با پدرم دارم. حتی زمانی که پرپود شدم پدرم برام کادو خرید» (شیوا ۲۷ ساله از تهران).

۱-۲. فرهنگ مردسالاری و خشونت علیه زنان

نگاه ایدئولوژیک و اجتماعی به زن به‌خاطر روشی است که جامعه پدرسالار در بازنمایی زنان در پیش می‌گیرد. زنی که قرار است در مقام باکره تکریم شود یا در مقام روسپی تکفیر شود. ردپای این دوگانه‌سازی در نگاره‌های مرتبط با زن در ادبیات معاصر و کلاسیک مانند زن خوب/بد، زن آرمانی/افتانه، زن ائیری/لکاته و... دیده می‌شود. این دوگانگی و زن‌ستیزی حاصل ساختارهای ذهنی حاکم بر فرهنگ مردسالار دانسته می‌شود که در آن زنان همواره موضوع گفتمان هستند و هرگز در مقام فاعل قرار نمی‌گیرند (دریفوس و رابینو، ۱۳۸۹: ۲۳۵). نگاه مردانه به بدن زنانه و کنترل و مدیریت آن در جوامع مختلف و به اشکال گوناگون وجود دارد؛ برای نمونه صنعت پورنوگرافی، تبلیغات و رژیم‌های تغذیه‌ای که به‌اصطلاح باربی‌گری را ترویج می‌کنند، گسترش

عمل‌های زیبایی و هزاران اشکال مدیریت بدن که مدرنیته به زنان القا می‌کند، جز خشونت و کنترل بدن زنانه و بازتعریف هویتی باب میل آن (دیگری مهم) نبوده و نیست. تحلیل ابزاری در مقاله «جامعه‌شناسی بدن و پاره‌ای مناقشات» تصدیق این مدعا است. او می‌نویسد: در ایالات متحده آمریکا، عینیت‌دادن به بدن زنانه و استثمار آن، کلیدی در درک سلسله‌مراتب نژادی، طبقاتی و جنسیتی است که ذاتی سرمایه‌داری آمریکایی هستند. همان‌طور که فمینیست سیاه، پاتریسیا هیل کالینز^۱ گفته است، سلطه همواره در بردارنده تلاش‌هایی برای تحت ستم قراردادن گروه‌های فرودست است. در اینجا بدن زنانه به هزاران طریق مختلف ابژه قرار می‌گیرد که تبلیغات در مورد روش‌های زندگی روزمره از مهم‌ترین آن‌ها است. قطعه‌قطعه کردن مداوم بدن زنانه به سینه‌ها، پاها، نشیمن‌گاه و کشاله‌های ران، زنان را از شخصیت تهی کرده و آنان را به قطعاتی از جای کنده شده بدل می‌کند (ابزاری و حمیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۸). اظهارات زهره مؤیدی است بر نظریات پاتریسیا هیل کالینز در مورد ابژه‌شدگی بدن زنانه و تقلیل هویت و شخصیت زنانه به عضو کوچکی از بدنش است. بدن زنانه ابژه‌ای در نظام مردسالار است که به بکارت او تقلیل یافته است و به‌نوعی نگاه سرمایه‌ای و کالاگونه به زنان در جامعه وجود دارد. او می‌گوید:

«به نظرم آدمی که دوست دارد رابطه جنسی داشته باشد، اما به‌خاطر ترس از ازدواج کردن تن به ترمیم می‌دهد و کلی هزینه جسمی و مالی و روانی می‌دهد خودش قربانی یک سیستم معیوبه. جامعه این اجازه رو داده به مردا و خانواده‌ها که به بخشی از بدن زن احساس تملک کنند و اون زن هم به‌خاطر اینکه از جامعه طرد نشده مجبوره این کارها رو بکنه» (زهره ۲۹ ساله از تهران).

فریبا هم در مورد روند تربیت‌پذیری و نهادینه‌شدن موقعیت فرادستی مردان نسبت به زنان صحبت می‌کند. او می‌گوید:

«مهم‌بودن بکارت دختر برا پسر برمی‌گرده به نوع تربیتشون. دیگه از کودکی اهمیت باکرگی در پسر نهادینه شده و بخواد هم نمی‌تونه یک‌شبه تغییرش بده. احساس ناامنی می‌کنن که خب ممکنه این دختر به من پایبند نباشه؛ و چون ذی‌نفع هستن و نماد قدرت براشون هست، دلیلی بر تغییرش نمی‌بینند. به نظرم دخترا چه تو محدودیت‌ها و چه تو این آزادی‌ها قربانی شدن و در هر دو طرف فقط آلت لذت جنسی هستن و یک شیء برای لذت‌بردن. خود دختر مهم نیست» (فریبا ۲۹ ساله از تهران).

پرده بکارت و ترمیم آن در جامعه ایران، موضوعی فراتر از چارچوب‌های ناموسی همچون شرافت، رسوایی، آبرو و بی‌آبرویی را در برمی‌گیرد. برخلاف نظر بشارت‌دهندگان انقلاب جنسی

1 Patricia Hill Collins

در ایران، ترمیم پرده بکارت نه نشانه آگاهی و اختیار بر تن، بلکه نشانه جبر اجتماعی و فرهنگی، سلطه هنجارهای فرهنگی پدرسالارانه و فرودستی زنان است. انتخاب آگاهانه یک زن برای انجام جراحی ترمیمی یک پوسته بی‌مصرف در پنهانی‌ترین عضو بدنش با انتخاب رنگ کیف و کفش تفاوت غیرقابل‌مقایسه‌ای دارد. در پس این اقدام، هنجار اخلاقی پدرسالارانه سخت‌جانی وجود دارد که سرفروودنی‌آوردن در برابر آن، پیامدهای سنگینی برای یک دختر جوان دارد (راستین، ۱۳۹۳).

۳-۱. مناسک و ممنوعیت‌ها

ارتباط تنگاتنگی بین ممنوعیت‌ها، موارد تابو و مناسک به‌عنوان پلی برای گذر از دنیای ناپاکی به پاکی وجود دارد؛ مناسکی که دین یا فرهنگ آن را تعیین می‌کنند. در جامعه به‌دلیل ماهیت فیزیکی خاص بدن زنانه، این محدودیت‌ها بیشتر برای زن تعریف و ارزش‌گذاری می‌شوند و مردان از آزادی عمل بیشتری برخوردارند و به‌نوعی عاری از هر نوع ناپاکی تعریف می‌شوند. طبق نظر فوکو بدن واسطه‌ای است که از طریق آن، نهادها قدرت و نظارت خود را بر سوژه برقرار می‌سازند. به بیانی دیگر، انضباط و تابعیت از قدرت در واقع نوعی پرورش بدن است. براساس تحلیل فوکو، انضباط از طریق کنترل فعالیت‌های بدنی بر بدن افراد اعمال می‌شود. در هریک از این نهادها، انتظارات و رفتارهای خاص نسبت به بدن وجود دارد که بدن را به سوژه‌ای برای انقیاد تبدیل می‌کند. روابط قدرت ضمن سرمایه‌گذاری در بدن مبادرت به نشانه‌گذاری و تربیت آن می‌کند و بدن را برای انجام وظایف و ساطع کردن انواع نشانه‌ها تحت فشار قرار می‌دهد (فوکو، ۱۳۸۸: ۷۸۳). یکی از این نهادها خانواده است که با آگاهی یا ناآگاهی از سازوکار سیستم سرمایه‌داری، انتظارات خاص خود را از بدن فرزند خود به منصفه ظهور می‌رساند. در این رابطه دکتر احمدی می‌گوید:

«تجربه اخیرم این بود که دختریچه چهارساله‌ای را به مطب آوردند. پدر و مادر بسیار مضطرب بودند. مادر بچه مدام دخترک را سرزنش می‌کرد که چند بار بهت گفتم این امانته باید همه جوره ازش مراقبت کنی؟ بچه از دوچرخه افتاده بود و آسیب جدی وارد نشده بود. اما این مادر مدام کودک را سرزنش می‌کرد. بچه چهارساله چه درکی از امانت دارد؟ به کودک آموخته بودند که امانتی است مال ما که پیش تو هست. امانت خانواده است که باید از آن مراقبت کنی» (دکتر احمدی، ماما).

سحر خاطرات خود را از دوران کودکی در مورد تبعیت از آموزه‌های حاکم در خانه و مدرسه

این‌چنین بازگو می‌کند:

«بار اولی که خانواده‌م من رو با همچین چیزی آشنا کردن، فکر می‌کردم وای چقدر سخته نگه داشتن این بکارت و تا حدود اول دبیرستان همه‌ش سعی می‌کردم از جایی نپریم، بازی

خطرناک نکنم، سریع ندوم، شیر آب دستشویی رو با فشار باز نکنم و... این‌ها چیزهایی بود که از بچگی به من از طرف مادرم، خواهرام، معلم‌های مدرسه‌م دیکته شده بود. ولی از اول دبیرستان دیدم یک سری هستن که اصلاً این برایشون مهم نیست و اصلاً می‌تونن این بکارت‌ها نباشه. افرادی رو دیدم که باکره نبودن و راحت داشتن زندگی می‌کردن و از اون تایم به بعد برای من دیگه این مسئله مهم نبود. شش ماه زمان برد تا با خودم کنار بیام که مسئله باکرگی برام مهم نباشه و به خودم بفهمونم که بود و نبود بکارت هیچ چیزی از ارزش‌های من کم نمی‌کنه» (سحر ۲۲ ساله از تهران).

نگار هم یکی از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه است که در مورد انتقال نگرانی‌های خانواده بر بدنش در حین بازی‌های کودکی مطالب زیر را عنوان می‌کند: «معمولاً وقتی روی درختا یا جاهای خطرناک بازی می‌کردیم، مادرم یا عمه‌هام خیلی سعی داشتن بفهمونن مواظب این قسمت بدنم باشم تا آسیب نبینم؛ چون چیز خیلی مهمیه» (نگار ۲۷ ساله از بابل). صحبت‌های مصطفی ارتباط نظریه فوکو در جامعه را به خوبی نشان می‌دهد. اینکه چطور نهادها و قدرت در سراسر جامعه بدن‌ها را تربیت می‌کند و پرورش می‌دهد و به فراخور آن تنبیه و پاداش در نظر می‌گیرد. او می‌گوید:

«زادگاه من کرمانشاه است. در حال حاضر خیلی کمتر شده اون مراسم، ولی قبلاً گویا به دستمال سفید به داماد می‌دادن و باید خونی برمی‌گشته. در غیر این صورت وای به حال عروس بدبخت. ولی الان کلاً اونا تموم شده و فقط به آزمایش بکارت می‌دن که اونم کم اهمیت شده» (مصطفی ۳۰ ساله از تهران).

۴-۱. تغییر الگوهای جنسی

زمانی که از اصطلاح سکسوالیته استفاده می‌کنیم، مقصودمان این است که سکس و کنش جنسی یک هستار اجتماعی-فرهنگی است و با ساختارها و عناصر دیگر اجتماعی-فرهنگی مانند اقتصاد، دین، سیاست و اخلاق پیوند خورده است و به همین دلیل است که نمی‌توان آن را منفک از ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یا گفتمان‌های ایدئولوژیک و فرهنگی که به آن معنا می‌دهد، فهمید. از طرف دیگر در یکصد سال اخیر سکسوالیته با جنبش زنان پیوند خورده است و تحلیل‌هایی که از وضعیت زنان در جامعه صورت می‌گیرد، به پنداره تحلیلگران از سکسوالیته در جامعه گره خورده است (ودادهیر و ثقفیان، ۱۳۹۶: ۲).

در چند دهه گذشته نگرش‌ها به مسائل جنسی و روابط جنسی در دنیا دچار تحول و دگرگونی شده است و رابطه جنسی دیگر فقط برای تولیدمثل تعریف نمی‌شود، بلکه افراد به آن به چشم لذت و ارضای نیازهای جنسی و روحی‌شان نگاه می‌کنند. در این میان زنان بیشتر از گذشته خواستار داشتن رابطه جنسی و ارضای امیال جنسی برابر با مردان شدند که در این

زمینه جنبش‌های زنان، استقلال مالی و ورود آن‌ها به بازار کار بی‌تأثیر نبوده است. نکته حائز اهمیت در مصاحبه‌ها پیش‌قدمی و درخواست رابطه جنسی و حتی ازاله بکارت برای بار اول از سمت دختران بوده است و در برخی موارد، پسران به دلیل مسئولیت‌های بعد از آن و اهمیت بکارت در فرهنگ ایرانی از این خواسته سرباز می‌زنند و زیر بار نمی‌روند. سحر یکی از افرادی که با او مصاحبه کردیم، خواهان پذیرش چنین مسئولیتی از دوست‌پسر خود در قبال رابطه آزاد است. او می‌گوید:

«من فکر می‌کنم کسی که بکارت من رو می‌گیره حق منه و اون آدم مال منه. من این مسئله رو به دوست‌پسرم هم گفتم که اگر در دوران دوستی این اتفاق برامون بیفته، حق نداری یک قدم از من دور بشی؛ چون هنوز کمی ته ذهنم هست که این باارزش‌ترین چیز منه که در اختیار طرف مقابلم می‌ذارم. پس اون در قبال من و بدنم مسئوله» (سحر ۲۲ ساله از تهران).

به‌نوعی دختران شاید با این اقدام و درخواست سعی دارند هویت جدید جنسی برای خود در جامعه تعریف کنند، یا در تلاش‌اند تا نابرابری‌های جنسیتی را از این طریق کاهش دهند و ثابت کنند که بر بدنشان و امیالشان احاطه کامل دارند و متأثر از فرهنگ غالب یا ارزش‌های تعریف‌شده جنسیتی نیستند. موارد ذکر شده بیشتر شامل حال دخترانی می‌شود که اعتقادی به باکرگی ندارند و به قول خودشان مسئله برایشان حل شده است. زهره می‌گوید:

«ملاک رو گذاشتم روی اینکه اگر روزی احساس کردم کسی رو از ته قلبم دوست دارم و نیاز دارم که با اون آدم باشم، بکارت‌تم رو از دست بدم» (زهره ۲۳ ساله از تهران).

ریحانه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه است که از داشتن رابطه جنسی راضی است و با خواست خود بکارتش را از دست داده است. او می‌گوید:

«من خیلی راضی‌ام از اینکه این کار رو کردم و اصلاً ناراحت نیستم و هیچ وقت حاضر نیستم ترمیم کنم. معتقدم مردی که من رو برای یه چیز کوچیک بخواد یا نخواد ارزش دوست‌داشتن نداره و آدم زندگی‌کردن نیست. اولین بار خودم خواستم که این اتفاق بیفته و پارتنرم متعجب بود که چطور به دختر با این مسئله مشکل نداره. همه دوستام و دوروبریام مثل خودم فکر می‌کنن و همه با این قضیه اوکی هستن. چند وقت پیش یکی از دوستام که از یه خانواده مذهبی بود، چندین ماه درگیر بود که می‌خوام رابطه جنسی برقرار کنم. نمی‌دونم این کار رو بکنم یا نه. و من بهش می‌گفتم آره برو چه اشکالی داره؟ مگه ما چقدر زندگی می‌کنیم که بخوایم به خودمون سخت بگیریم؟ و بعد یه مدت اومد گفت سکش داشتم و خیلی راضی‌ام و لذت بردم» (ریحانه ۲۰ ساله از تهران).

عده دیگری از دختران که قصد ترمیم بکارت داشتند یا این عمل را انجام داده بودند، داشتن رابطه جنسی را نماد عشق و تعهد در رابطه عاطفی می‌دانستند و به‌نوعی تصور می‌کردند

با تقدیم کردن باارزش‌ترین عضو بدنشان می‌توانند عشق خالصانه خود را ثابت کنند. مریم در مورد اثبات عاطفه عمیق خود می‌گوید:

«سکس برام مقدسه و دوست داشتم اولین تجربه‌م با کسی باشه که واقعاً دوستش داشته باشم، و چون یاد گرفتم از کارهایی که می‌کنم پیشمون نشم، سعی می‌کنم جلوگیری کنم و همه چیزو بسنجم. این آقایی که تو رابطه‌م باهش، اگر بهم می‌گفت بیا بکارتتو رو از بین ببرم، باهش موافقت می‌کردم؛ چون دوستش داشتم و دارم» (مریم ۲۴ ساله از تهران).

با وجود افزایش رابطه جنسی و آزادی‌های جنسی افراد، متأسفانه به دلیل نبود آموزش صحیح و قبح این مسئله در جامعه، جوانان و نوجوانان بدون آگاهی و آموزش درست و در سنین پایین اولین تجارب جنسی خود را کسب می‌کنند و همین امر زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها از جمله بیماری‌های مقاربتی، سرطان رحم در دختران، سقط‌جنین و ترمیم بکارت می‌شود که هر کدام از این‌ها می‌تواند جسم، روح و حتی سرنوشت دختران و چه بسا پسران را تحت‌الشعاع قرار دهد.

۲. بعد دینی و حقوقی

باتلر^۱ معتقد است در ایدئولوژی مسیحی و دکارتی، بدن در تضاد با روح قرار دارد و نسبت به آن از جایگاه پستی برخوردار است. بدن به‌مثابه «عنصر بی‌کنش، بیانگر خلئی نامقدس، مقامی تنزل‌یافته، فریبنده، گناهکار و نماد استعاری جهنم و مادینه ابدی است. بدن موجودی خودآگاه و خودکار نیست، بلکه واقعیتی گنگ و نیازمند هویتی غیرمادی و ماورایی برای کسب معنا و ارزش است؛ بنابراین بدن همواره در احاطه نیروهایی است که اقتدارش را ضعیف کرده و استعمارش می‌کنند» (باتلر به نقل از قربان صباغ، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

۲-۱. دیدگاه اسلام درباره پرده بکارت

پرده بکارت بزرگ‌ترین هدیه خداوند به دختران است. متأسفانه پسران از جهت ظاهری از این موهبت محروم هستند. پرده بکارت یکی از بزرگ‌ترین بازدارنده‌ها در برابر گناهان جنسی محسوب می‌شود. گویا خداوند نگرهبانی همیشگی برای رهنمون ساختن دختران به بهشت دنیا و آخرت فراهم آورده است. در اسلام بکارت ویژه دختران نیست. برای پسران اصطلاح باکر استفاده می‌شود. همان‌طور که اسلام بر دست‌نخوردگی و عدم تجربه جنسی دختر تأکید دارد، بر بکارت و خویشنداری جنسی پسران پافشاری می‌کند (مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، ۱۳۹۹).

۲-۲. نکات فقهی و حقوقی در مورد ترمیم بکارت

در صورتی که تجاوز به عنف و اکراه سبب ازاله پرده بکارت باشد یا در اثر زمین خوردن دختر، تصادف و پرش باشد، ترمیم جایز است، اما در صورتی که سبب از بین رفتن پرده بکارت براساس ازدواج باشد ترمیم حرام است. خواه بیوه و مطلقه باشد یا نباشد و در صورتی که سبب ازاله بکارت مرتکب شدن به زنا با رضایت باشد و مشهور به زنا نیز باشد، ترمیم حرام است. اگر مشهور به زنا نباشد و توبه نکرده باشد ترمیم جایز نیست، اما اگر توبه کرده باشد، دو احتمال در آن وجود دارد و با توجه به اینکه مفسده فریب دادن شوهر در حال باقی است، احتمال جایز نبودن ترمیم قوی‌تر است. با توجه به اهمیت موضوع، رجوع به منابع فقهی در اقدام بر جراحی ترمیم بکارت الزامی است (شریفی راد، ۱۳۹۱: ۳۶۴).

منصوره موسوی در بخشی از کتاب *تابوی زنانگی* نقل قولی از مرنیسی به عنوان محقق فمینیست، در رابطه با نگاه اسلام به غریزه جنسی زنانه مطرح کرده است. نوع نگاه او در تقابل با دیدگاه فقها و علمای دینی است. به نظر فاطمه مرنیسی، در جوامع اسلامی غریزه جنسی تا حد زیادی با تعریفی که فروید از تمایل جنسی به دست می‌دهد شباهت دارد. امر جنسی در اسلام فراتر از خیر و شر قرار دارد و خوب و بد آن پیش از هر چیز بستگی دارد به اینکه چگونه این غریزه را تسکین می‌دهیم. از نظر او جامعه اسلامی موفق شده است غریزه جنسی مرد را به عنوان یک امر خدادادی که در جهت بقا و قوام جامعه به کار گرفته می‌شود، بپذیرد و از آن تابوردایی کند و به آن جنبه قانونی بدهد، اما به دلیل جنبه مردسالارانه‌اش از پذیرش غریزه جنسی زنان در مانده است. اگر زنان را سرکوب می‌کند، به این دلیل است که مردان مسلمان از عهده مهار کردن غریزه جنسی و شهوتشان بر نمی‌آیند. آن‌ها به یک معنا مسئولیت آن را متوجه زنان می‌کنند. پرده‌نشینی زنان مسلمان در طول تاریخ به گمان مرنیسی نمودهایی از این مکانیسم است (مرنیسی به نقل از موسوی، ۱۳۹۷: ۴۲-۴۳).

خانم احمدی براساس تخصصش این موضوع را مشاهده کرده بود که با ما در میان گذاشت:

«چیزی که برای خود من عجیب بود، کیس‌های مذهبی هم زیاد داشتیم. خانم چادری با روحیات کاملاً مذهبی و معتقد. اما خب مشکل ترمیم داشتن. به نظرم دخترایی که خیلی پر شر و شورن و اهل آرایش و پوشش بازتر، انگار خانواده‌های اون‌ها بهتر قبول می‌کنن و مشکلی ندارن، اما افراد سنتی یا مذهبی و مقید، این مسئله براشون خیلی تابو هست و بیشتر این افراد برای ترمیم میان» (خانم احمدی، ماما).

محمد رضا برخلاف تصور کلیشه‌ای جامعه از پسران، از تجربه خود می‌گوید:

«در مورد اون دو تا رابطه که من بکارت دخترا رواز بین بردم، برام پر از حس عذاب وجدان بود. رابطه اولم که خب منجر به ازاله بکارت شد، من همچنان عقاید مذهبی داشتم. حس

بدی داشتم و فکر می‌کردم که چه گناه بزرگی مرتکب شدم. و برای پارتترم هم به‌خاطر شرایط جامعه خیلی سخت بود. چون اون هم خانواده مذهبی داشت، اما بعد که هی رابطه ادامه‌دار شد، برای جفتمون عادی شد» (محمدرضا ۲۷ ساله از تهران).

الهه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، در ارتباط با عقاید مذهبی می‌گوید:

«یکی از دوستان صمیمی، سنتی و مذهبی من عقیده‌اش اینه که رحم زن مثل یه ظرفه و باید پاک باشه و فقط بعد از ازدواج رابطه بگیره که اون نطفه بچه در جای پاک‌ی شکل بگیره. معتقده برقراری رابطه قبل از ازدواج زن رو کثیف و آلوده می‌کنه و اون زن لایق مادر بودن نیست» (الهه ۲۵ ساله از تهران).

۳. بعد پزشکی

سومین بعدی که ارتباط تنگاتنگی با بحث باکرگی و به‌خصوص ترمیم بکارت دارد، پزشکی و مباحث حول محور آن است. پزشکی را نمی‌توان در موضوعاتی که بدن دخیل است نادیده گرفت. در دنیای مدرن امروزی، پزشکی به اشکال مختلف در حال شکل دادن و مدیریت بدن انسان است. از درمان بیماری‌ها تا عمل‌های زیبایی و اشکال متعدد دیگر آن. در بحث ترمیم بکارت، پرداختن به نقش پزشکان و صنعت پزشکی کمک شایانی به درک عمیق‌تر این مسئله کرده است که پزشکی در خدمت بشر است یا بشر را استثمار کرده است و انسان‌ها را به قول فوکو تبدیل به بدن‌های رامی کرده که می‌تواند به هر شکل و هویتی دربیآورد.

۳-۱. اقتصاد پزشکی

همان‌طور که در سفرنامه‌ها، کتب مذهبی و علمی و تاریخی مطالعه کرده‌ایم (برای مثال سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان))، عمل‌های ترمیم بکارت در طول تاریخ وجود داشته است، اما در دهه‌های اخیر به طرز عجیبی رو به افزایش است و با وجود غیرقانونی بودن این عمل‌ها، به‌دلیل منفعت اقتصادی، پزشکان زیادی به سمت آن گرایش پیدا کرده‌اند. در پزشکی هم مانند هر رشته‌ای، برخی افراد سودجو هستند که تنها منفعت مالی و اجتماعی خودشان برایشان مهم است و به نکات اخلاقی کم‌توجه هستند.

به‌دلیل تابو بودن بحث بکارت و غیرقانونی بودن عمل‌های ترمیم بکارت، گاهی دختران به‌دلیل عجله کردن، نداشتن آگاهی و تحقیق ناکافی در مورد متخصصان، گرفتار افرادی می‌شوند که تخصص کافی در این زمینه را ندارند و چه‌بسا آسیب‌های جبران‌ناپذیری به بدنشان وارد می‌کنند. آسیب‌هایی که ممکن است سبب شود دیگر هرگز نتوانند لذت مادر شدن را بچشند یا حتی از داشتن رابطه جنسی نرمال در زندگی محروم شوند.

در کنار عمل‌های ترمیم بکارت که برخی افراد به دلایل مختلف و اجبار که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، تن به عمل جراحی می‌دهند، صنعت پزشکی این عمل‌ها و آلت تناسلی زن را به کلایی برای پول‌سازی تبدیل کرده است؛ برای مثال ترمیم بکارت به‌عنوان هدیه به مناسبت‌های مختلف (تولد همسر، سالگرد ازدواج، سالگرد آشنایی) و نیز عمل زیبایی واژن (عمل لابیپلاستی) که برخی به دلیل درد زیاد و عوارض بد این عمل، نام ختنه‌ مدرن را برای آن انتخاب کرده‌اند. این موارد مصداق کامل نگاه کالاگونه به بدن زنانه است که متأسفانه در بسیاری مواقع خود زنان به آن دامن می‌زنند و موجب گرایش بیشتر آن می‌شوند. پزشکان ادعا می‌کنند که در خدمت زنان هستند و هدفشان کمک به آن‌ها است. اما این موارد عامل مهم پیروی از مردسالاری و افزایش نابرابری‌های جنسیتی در جامعه است. حضور هنجارهای معطوف به نجابت زن در جامعه به‌اندازه‌ای قدرتمند هستند که دختران جوانی را که با غرور و سرکشی، مرزی را شکسته و عشق ممنوعه‌ای را تجربه کرده‌اند، به زانو درمی‌آورند. تجربه سکسوالیته که باید به قول ویلهلم رایش^۱ به خودگردانی شخصیتی و خردمندی فردی منتهی شود، به حقارت، گسست اخلاقی و ریاکاری می‌انجامد. ترمیم پرده بکارت راز بزرگ و هولناکی است که حتی همسر آینده و نزدیک‌ترین کسان یک زن نباید از آن مطلع شوند. زندگی با چنین راز دلپره‌آوری هرگز غرورآمیز و دلپذیر نیست (راستین، ۱۳۹۳).

از یک پزشک درباره‌ی خطرات و آسیب‌هایی که از سوی افراد غیرمتخصص به بدن زن وارد می‌شود می‌پرسیم. او می‌گوید:

«افراد متخصص که در زمینه بکارت تخصص داشته باشن متأسفانه کم هست و برخی افراد از روی ناآگاهی و فقط برای تجارت کار می‌کنن. ما مراجعانی داریم که می‌گن ما دو بار ترمیم کردیم. دو بار ترمیم یعنی افتضاح. هیچ بافتی برای ترمیم نمونه و صرفاً برای اینکه تو رابطه‌ش خونریزی داشته باشه به کاری انجام می‌ده. هنوز به خیلی از پیچ‌ها که سر می‌زنم می‌بینم که چقدر مطالب مزخرف نوشته شده و بچه‌ها رو گول می‌زنن. اکثر افرادی که سوءاستفاده می‌کنن، ماما هستن که خیلی دارن میان تو کار ترمیم و خیلی مهارت خوبی هم ندارند. مراجع از ماماها دارم که می‌گن شما آموزش هم می‌دید؟ می‌گم بله. می‌پرسم تحصیلات شما چیه؟ می‌گن ارشد مامایی. می‌گم سابقه کار دارید؟ می‌گه دو ساله طرحمو تو بهداشت گذروندم. بهداشت یعنی این آدم دستش سوزن و قیچی و پنس نگرفته، و من میگم شما به درد این کار نمی‌خوری. باید سابقه کار در بخش زایمان رو داشته باشی و چند تا بخیه زایمان طبیعی رو به‌تنهایی انجام داده باشی، بعد بیای بتونی ترمیم انجام بدی. فردی رو می‌شناسم که اصلاً معلوم نیست تحصیلاتش چیه. این شهر و اون شهر می‌ره

و تو ماشین عمل ترمیم رو انجام می‌ده. می‌رن تو خونه افراد این عمل رو انجام می‌دن»
(دکتر کیانی، مشاور سلامت و باروری).

مریم یکی از مراجعان به غیرمتخصص است. او تجربه‌اش را با ما به اشتراک می‌گذارد:
«من بدبختیم اینه که رفتم پیش یه دکتر که کارشو بلد نبود. دو بار بکارتمو بخیه زد. خوب که نشدم هیچ، بدترم شدم. دو سال پیش دو بار عمل کردم. بکارتم به کل از بین رفته. نمی‌دونم چه خاکی بر سرم بریزم. درمان شدنم سخته. لعنت به اون یک تیکه گوشت لعنتی که چند سانتیم نمی‌شه، اما زندگی آدم رو نابود می‌کنه» (مریم ۲۴ ساله از تهران).
جویای روند انجام این نوع جراحی‌های غیرقانونی از یک متخصص می‌شویم:

«متأسفانه خیلی از همکاری ما خودشون به این مشکلات دامن می‌زنن. خیلی راحت به دختر می‌گن برو رابطه داشته باش، بیا من برات می‌دوزم. برخی همکاران واقعاً پول‌های کلان از این راه درمی‌آرن. خیلی‌ها با بیمارستان‌های خصوصی قرارداد می‌بندن و به اسم عمل‌های زیبایی زنان مثل لابیپلاستی و... بیمار رو به بیمارستان می‌فرستن. ۱۰ تا ۱۵ میلیون می‌گیرن. خیلی از آرایشگاه‌ها و مراکز زیبایی با دکترها زدوبند دارن. افراد رو معرفی می‌کنن و پورسانت می‌گیرن» (دکتر احمدی، ماما). مریم درمورد هزینه‌های عمل می‌گوید: «من خیلی عذاب می‌کشم. دو سال پیش برا هر عمل دکتر دو میلیون ازم پول گرفت. اما الان جز درد هیچی ندارم. همون دکتر دوباره بهم گفت بیا روز قبل ازدواجت برات بخیه بزیم تا شب عروسی بخیه‌ها پاره شن و خون بیاد. اما از چند نفر پرسیدم گفتن ریسکش زیاده. اوضاعم خیلی افتضاحه» (مریم ۲۴ ساله از تهران). راحله یکی دیگر از دخترانی که قصد عمل ترمیم بکارت را دارد درمورد هزینه‌ها می‌گوید: «دکتر زنان معاینه‌م کرد گفت ارتجاعی هستم. می‌شه ترمیم کرد. هفت میلیون هزینه‌ش می‌شه» (راحله ۲۱ ساله از تهران).

دلایل ترمیم بکارت

بعد از مصاحبه‌ها و گفت‌وگو با دخترانی که عمل ترمیم بکارت را انجام داده بودند یا قصد آن را داشتند، به سه هدف و دلیل عمده رسیدیم: اهمیت خون، نمایش خود در جامعه (طبق نظریه داغ احتمال بی‌اعتباری^۱ گافمن^۲ و خود و دیگری^۳ مید^۴) و آرامش روانی.

۱ در داغ احتمال بی‌اعتباری، دیگران تفاوت‌ها را نمی‌دانند و نمی‌توانند تصورشان را بکنند. کسی که دچار داغ احتمال بی‌اعتباری است، مسئله نمایشی‌اش رازنگهداری است تا قضیه‌اش همچنان ناشناخته بماند (ریترز، ۱۳۸۹: ۲۹۸).

2 Erving Goffman

۳ به نظر مید، انعطاف‌پذیری یا توانایی واکنش نسبت به خود به همان سان که شخص در برابر دیگران واکنش نشان می‌دهد، برای تحول ذهن در قالب فراگرد اجتماعی، شرطی ضروری به‌شمار می‌آید: توانایی واکنش در برابر خود، به همان سان که جمع یا دیگری تعمیم‌یافته در برابرش واکنش نشان می‌دهند (ریترز، ۱۳۸۹: ۲۷۹).

4 George Herbert Mead

۱. اهمیت خون

یکی از مهم‌ترین دلایل تن‌دادن دختران به عمل ترمیم بکارت، اهمیت خونریزی در شب عروسی است. اگرچه مانند گذشته از دختران پارچه سفید دریافت نمی‌کنند، در ذهن افراد، ارتباط خون و بکارت حک شده است. با وجود اینکه علم پزشکی بارها ثابت کرده که پرده بکارت یک غشای نازک سلولی است که نباید خونریزی داشته باشد و گاهی در برخی افراد نوع بافت پرده به نوعی است که خونریزی ندارند، در سنت و عرف همچنان خونریزی دارای اهمیت است. چه بسا دخترانی که مورد خشونت و قضاوت قرار گرفته‌اند، فردای عروسی طلاق گرفته‌اند و در موارد حادثه به قتل رسیده‌اند. دکتر احمدی در این مورد می‌گوید:

«یه مورد داشتیم، دخترخانمی ازدواج کرده بودن، نوع پرده‌شون حلقوی بود. شب عروسی خونریزی نداشتن. فردای عروسی دختر به همراه مادر، مادرشوهر و همسرش به مطب اومدن و آقا مدعی شده بود که من چیزی حس نکردم و خانمم باکره نیست و دختر مضطرب مدام می‌گفت من رابطه‌ای نداشته‌م. من معاینه کردم و با سند گفتم ایشون پرده‌شون حلقویه و اصلاً خونریزی نداره. به داماد گفتم الان این خانم به جرم اتهام و تهمت شما می‌تونه ازتون شکایت کنه» (دکتر احمدی، ماما).

سه نفر از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه درباره اهمیت خون و اثبات بکارت در شب عروسی

صحبت می‌کنند:

«خواهرم بعد از هشت سال زندگی مشترک زد زیر گریه و گفت من شب عروسیم خیلی بهم سخت گذشت و پیش همسرم سرافکننده شدم؛ چون خونریزی نداشتیم» (سحر ۲۸ ساله از تهران). «من یک ساله که عمل کردم، اما بازم نگرانم که طرفم متوجه بشه برای ازدواج یا خونریزی نداشته باشم» (مهتاب ۲۶ ساله از تهران). «یه وقتایی به خودم می‌گم که نهایت یه جایم رو ببرم خونش رو بمالم به بدنم که پسره نفهمه. اینجا فقط براشون اون خون مهمه. دیگه چه جوری و از کجا مهم نیست. خیلی هم حالی شون نیست. فقط خون رو ببینن حله» (زهره ۲۵ ساله از شیراز).

۲. نمایش خود

دومین دلیل دختران برای ترمیم بکارت، نمایش خود اجتماعی و مورد قبول جامعه است. اگرچه آن‌ها در نهان خودشان به اینکه باکره نیستند اذعان دارند و بسیاری معتقدند حتی از نظر روحی هم دیگر باکره نیستند، به دلیل هنجارهای جامعه و انتظارات نقشی از یک زن، سعی در نمایش خود به عنوان باکره دارند. بسیاری از پزشکان و محققان نام بکارت فیزیکی یا عملی را برای این افراد در نظر می‌گیرند؛ زیرا فقط با تغییر ظاهری و موقتی هاینم خود، سعی دارند که باکره بودن خود را به دیگران القا کنند تا برچسب منحرف و گناهکار به آن‌ها زده نشود. این

دیدگاه و رویکرد افراد به‌خوبی با نظریهٔ داغ احتمال بی‌اعتباری گافمن هم‌پوشانی دارد. داغ احتمال بی‌اعتباری، هنگامی است که دیگران از هویت ننگ‌آلود خبری ندارند و این احتمال وجود دارد که به این مسئله پی ببرند. در این مورد کنشگر می‌کوشد که آن را پنهان کند و کنش‌های خود را به‌گونه‌ای سامان دهد که این مسئله همچنان پنهان بماند.

گافمن باور دارد که همهٔ ما از نوعی داغ رنج می‌بریم و می‌کوشیم که آن را در کنش‌هایمان پنهان کنیم (ریتزر، ۱۳۸۹: ۲۹۸). علی‌یکی از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه است. در مورد فشارهای اجتماعی و پاک‌کردن داغ ننگ، بی‌اعتمادی و عدم پذیرش جامعه را دلیل فریب می‌داند. او معتقد است:

«خود جامعه‌ای که پذیرای هیچ‌گونه منطقی نیست باعث پررنگ‌شدن به همچنین مسائلی (ترمیم بکارت) می‌شه؛ به‌عنوان مثال پسری که نتونی درمورد این موضوع باهش حرف بزنی. دخترا مجبور می‌شن به پنهان کاری و دست‌زدن به همچنین عمل‌هایی. تشخیص دختر بی‌گناه و دختری که از این قضیه سوءاستفاده می‌کنه واقعاً کار سختیه» (علی ۳۰ ساله از تهران).

همچنین در این موضوع از مبحث «خود» مید الهام گرفتیم. مید برای آنکه نشان دهد موجود انسانی حتی در پویش روابط اجتماعی، دارای یک خود است، این موضوع را مطرح می‌کند که انسان در عین فعالیت می‌تواند تحت تأثیر اعمال خود واقع شود. انسان همان‌طور که می‌تواند در برابر دیگران عمل کند، در برابر خود نیز قادر به عمل است. او برای تقویت روحیهٔ خود تلاش می‌کند، برای خود هدف تعیین و خود را سرزنش می‌کند، از خود عصبانی می‌شود، به خود مغرور می‌شود، به خودش می‌گوید فلان کار را بکن یا نکن، به حساب خودش می‌رسد، دلش به حال خودش می‌سوزد (توسلی، ۱۳۹۰: ۲۷۴).

مید توانایی انسان در عمل کردن در برابر خود را به‌عنوان سازوکار اصلی که توسط آن انسان با دنیای خودش روبه‌رو می‌شود و با آن مراوده می‌کند، در نظر می‌گیرد. این سازوکار، انسان را قادر می‌سازد که چیزهای پیرامون را برای خود معنی کند و اعمال خود را براساس آن معانی هدایت کند. آنچه انسان از آن آگاهی دارد، همان چیزی است که انسان در حال معنی کردن آن برای خود است (توسلی، ۱۳۹۰: ۲۷۴). طبق نظرات مید، افراد در این زمینه خود را سرزنش می‌کنند. گاهی رفتار جنسی و رابطه‌ای را که داشته‌اند بنا بر دلایل خود معنی و توجیه می‌کنند، دلشان برای خودشان می‌سوزد و خود را فردی به حاشیه رانده‌شده از سمت اجتماع می‌دانند که توسط دیگران مورد ظلم، بی‌مهری و قضاوت قرار گرفته است. در نتیجه براساس پیش‌بینی رفتار و عمل دیگران سعی می‌کنند دست به کنشگری بزنند و خود را از وضعیت موجود نجات دهند.

زنانی که عمل ترمیم بکارت انجام می‌دهند، خود را بین دو نقش اجتماعی به‌ظاهر ناسازگار قرار می‌دهند: نقش انحرافی و ممنوعیت اجتماعی یک زن جوان منحرف از نظر جنسی که قبل از ازدواج، آزادانه نیاز جنسی خود را ابراز می‌کند و نقش عادی و مورد انتظار اجتماعی زن جوان عفیفی که خود را باکره می‌داند (احمدی، ۲۰۱۶: ۲۳۳). آران در مورد دلیل ترمیم بکارتش می‌گوید:

«من می‌خوام ترمیم کنم. خسته شدم. شبانه‌روز به این مسئله و نقطه‌ضعفم فکر می‌کنم. من سیزده سالم بود که رابطه داشتم. البته بیشتر شبیه تجاوز بود. الان دنبال دکتر مورد اعتماد می‌گردم. خیلی می‌ترسم که خانواده‌م متوجه بشن. من به‌خاطر ازدواج قصد ترمیم دارم و اینکه خیلی از پسرا وقتی می‌فهمن باکره نیستی، خیلی بد برخورد می‌کنن» (آران ۲۲ ساله از تهران).

۳. آرامش ذهنی و روانی

تعدادی از دخترانی که قصد ترمیم دارند یا این عمل را انجام داده‌اند، هدفشان رسیدن به آرامش ذهنی و به‌نوعی بازگشت اعتماد به‌نفسشان است. آن‌ها مشکلات دو گروه قبلی را ندارند، اما تنها به دلایل فردی و حس آرامش ذهنی برای خودشان، به عمل ترمیم بکارت روی می‌آورند. یکی از مکاتب نظری که ارتباط موضوعی نزدیکی با بعد روان‌شناختی ترمیم بکارت دارد، نظریه پدیدارشناسی است. بحث محوری در اندیشه‌های پدیدارشناسانه در مورد بدن این است که دریابیم افراد چگونه بدن‌های خود را تجربه می‌کنند و چگونه به بیان این تجارب می‌پردازند. مفهوم اصلی این رویکرد «بدن زیسته» است. این مفهوم بدین معناست که بودن در جهان و آگاهی انسانی تا حد زیادی توسط بدن معین می‌شود. انسان نوعی عامل اجتماعی جسم‌مند است (اباذری، ۱۳۸۷: ۱۳۳). طبق نظریه پدیدارشناسی، فرد بدن زیسته خود را زمانی حس می‌کند که متوجه درد یا ناراحتی شده باشد و آن بدن غایب در این شرایط خودنمایی می‌کند. در بحث حاضر، دختران بعد از داشتن رابطه جنسی و ازاله بکارت حس ناراحتی و عذاب وجدان نسبت به بدنشان پیدا می‌کنند و به‌نوعی بدن زیسته را آلوده و موجب بدنامی خودشان می‌بینند. پس سعی در درمان و پاکیزه کردن آن می‌کنند و ترمیم بکارت راهی برای رسیدن به آرامش و دوستی با این بدن است. به‌خوبی ارتباط بدن و احساساتمان را می‌توانیم در این فرایند درک کنیم و ببینیم که تا چه اندازه بدن و ذهن در هم تنیده‌اند.

در کنار بحث‌های مرلوینتی و نظریه پدیدارشناسی که به احساس فرد و ذهنیاتش می‌پردازد، به از خودبیگانگی زنان هم می‌توان اشاره کرد که این مسئله با موضوع قبلی ارتباط متقابل و نزدیک دارد. در جامعه مردسالار که ارزش‌های نمادین برای زن، بدن زنانه و اعمال

زنانه تعریف می‌شود، زنان همواره خود را در دو هویت متضاد و جداگانه زن خوب و زن بد تصور می‌کنند. این هویت‌های جداگانه موجب می‌شود زمانی که فرد احساس کند از هنجارها سرپیچی کند و خود را در گروه زن بد ببیند. حس عذاب وجدان، آلودگی، گناهکاربودن و حس بیگانگی نسبت به بدن خویش، دست به دست هم می‌دهند تا فرد ترمیم بکارت را راهی برای بازگشت به اصل خویش و آرامش ذهنی بداند.

موسوی در کتاب *تابوی زنانگی* به خوبی به مسئله از خودبیگانگی زنان اشاره کرده است. در شیء‌انگاری جنسی، سلطه مردانه به زنان موقعیت نمادینی اعطا می‌کند که آن‌ها را نسبت به بدنشان دچار از خودبیگانگی می‌سازد. از آن‌ها انتظار می‌رود زنانه باشند و زنانه رفتار کنند و این زنانه‌بودن و زنانه رفتارکردن را نه به‌عنوان موجودی مستقل، بلکه به‌عنوان موجودی وابسته در نظر بگیرند که در جامعه نه موقعیت واقعی دارد و نه موقعیت و ارزشی نمادین. در صورتی که این هویت زنانه دارای ارزش نمادین باشد، باز هم زن نسبت به بدنش بیگانه است؛ زیرا او بدن خود را به‌گونه‌ای تجربه می‌کند که یا با میزان تصدیق و به رسمیت شناخته‌شدن آن توسط جامعه متناسب است یا به‌گونه‌ای که برایش پریشانی و شرم و کمرویی در پی دارد. این تجربه در واقع همان خود آینه‌سانی است که در واکنش‌های دیگران منعکس می‌شود (موسوی، ۱۳۹۷).

دکتر احمدی می‌گوید:

«اکثر کیس‌ها احساس عذاب وجدان دارند. و همیشه می‌گویند من دیگه اون چیزی نیستم که فکر می‌کردم. خاطره جالب راجع به یکی از مراجعانم بود که خالکوبی داشت. نوشته بود: بارزش بمان و می‌گفت من بعد از این عمل می‌رم این تتو رو پاک می‌کنم؛ چون دیگه بارزش نیستم. خیلی‌ها از اینکه طرف مقابل رو گول می‌زنن و دروغ می‌گن براشون عذاب‌آور و سخته» (دکتر احمدی، ماما).

دکتر کیانی در مورد ارتباط عمل ترمیم و آرامش ذهنی افراد می‌گوید:

«می‌تونم بگم بیشترین تعداد و شاید ۸۰ درصد افراد به دلیل آسودگی ذهنی خودشون می‌اومدن برای ترمیم. انگار می‌خواستن اون عذاب وجدانه و عفت از دست‌رفته خودشون رو برگردونن. می‌خواستن از احساس گناهشون کم بشه و من حس می‌کنم می‌خواستن با تحمل اون درد و سختی عمل، از بار عذاب وجدان و گناهشون کم کنن. خیلی‌ها از نظر روحی داغون بودند و وقتی صحبت می‌کردن استرس و اضطراب رو در کل وجودشون حس می‌کردم. مدام می‌پرسیدن که می‌شه برگرده به حالت اول یا می‌شه دوباره بکارت‌مو به دست بیارم. من بهشون می‌گفتم اگر بکارت جسمی می‌خواهی که طرفت و پارت‌نر بعدی فکر کنه باکره هستی آره می‌شه. اما ذهنی و روحی نمی‌شه؛ چون خودت می‌دونی که دیگه بکارتت رو از دست دادی» (دکتر کیانی، مشاور سلامت و باروری).

نتیجه‌گیری

تعریف و درک نسل جوان از باکرگی براساس تقسیم‌بندی سه‌گانه فرهنگی، دینی و پزشکی، یک درک متناقض و پیچیده است. حتی به‌نوعی، رویکرد و نگاه جامعه هم با این مسئله دچار ابهام است. در بعد فرهنگی، هم جوانان و هم جامعه بین ارزش‌هایی که مدرنیته در دنیای جدید تعریف کرده است و ارزش‌های سنتی و بومی در تناقض هستند و نتوانسته‌اند به یک انسجام در ذهن و عمل برسند. جوانان درعین حال که سعی دارند رابطه جنسی و مدیریت بر بدن خودشان را به یک امر فردی تبدیل کنند و از فشارهای اجتماعی و فرهنگی دور باشند، در عمل همچنان مغلوب فرهنگ غالب می‌شوند. اگرچه به نسبت گذشته با ملایمت بیشتری با مباحث جنسیتی و جنسی برخورد می‌شود، باکرگی همچنان به‌عنوان یک عنصر ارزشی از جایگاه بالایی برخوردار است. در حوزه دینی، با وجود ممنوعیت و محدودیت‌های جنسی و ارزشمندی بکارت، شاهد برخی تخفیف‌ها و راهکارهای فقهی و دینی برای افرادی هستیم که از ارزش‌های دینی در حوزه جنسی سرپیچی کرده‌اند. در کنار محدودیت‌ها، راه‌حل‌هایی برای دورزدن آن‌ها وجود دارد. پزشکی هم از تناقضات فردی و اجتماعی در مواجهه با باکرگی به نفع خود استفاده می‌کند و شاید بتوان گفت حتی به این تضادها دامن می‌زند یا نقطه اتصال محدودیت‌ها و راهکارهای مقابله با آن‌ها است. دختران بیشتر از پسران از سردرگمی و جنگ بین فردیت و روح جمعی رنج می‌برند؛ زیرا هنجارها و انتظارات نقشی برای بدن زنانه تعریف شده است، نه بدن مردانه. بکارت بیشتر از چیزی که تصورش را بکنیم، با فرهنگ عجین شده است. بدن زنانه محل کنترل و نظارت بر زنان است.

برخلاف برخی که معتقدند رابطه جنسی و حتی ترمیم بکارت نوعی مقاومت است، درنهایت، جامعه و فرهنگ پیروز می‌شوند. دختری که به گمان خود راه مقاومت و ساختارشکنی را در پیش گرفته است، در انتها برای اعلام و نشان پاکی خود تن به عمل ترمیم بکارت می‌دهد؛ عملی که به‌نظر می‌رسد معلول نظام مردسالار باشد. طبق صحبت‌ها و روایت افراد در جامعه، دو نوع تعریف از باکرگی داریم: باکرگی ذهنی و باکری جسم‌مند. دخترانی که تجربه رابطه جنسی دارند، معتقدند که از نظر روحی و ذهنی خود را باکره نمی‌دانند. به عقیده آن‌ها بکر و دست‌نخورده بودن با اولین تماس کوچک با جنس مخالف از بین می‌رود. از طرف دیگر باکرگی فیزیکی و جسم‌مند همان داشتن بکارتی است که مدنظر جامعه است، یعنی صرف سالم بودن هایمن که افراد به روش‌های مختلف و با عمل‌های جراحی آن را به دیگران القا می‌کنند. در حین مصاحبه‌ها متوجه شدیم باکره بودن یا نبودن هردو می‌تواند جزو عناصر هویت‌بخشی، برای دختران همراه با ابعاد و ارزش و پرستیژ اجتماعی بنا بر موقعیت دختران در جامعه باشند. همان‌قدر که باکرگی می‌تواند موجب غرور و مباهات فرد در جامعه باشد، برای

عده‌ای از دختران نداشتن باکرگی مایهٔ غرور و مباحثات و نشانگر شجاعت آن‌ها در نپذیرفتن ارزش‌های حاکم است. دختری که از سرمایه‌های اجتماعی دیگر مانند استقلال مالی، تحصیلات، وضعیت اقتصادی بالای خانواده و برخی عوامل مهم دیگر برخوردار است، هویت خود را منوط به بکارت نمی‌داند و معتقد است که بحث باکرگی برای او اعتبار و ارزش نمی‌آورد. در مقابل، دخترانی که از این مزایا و سرمایه‌های اجتماعی کمتر برخوردار هستند، بر باکرگی به‌عنوان عنصر هویت‌یابی در جامعه تأکید بیشتری دارند و برایشان از اهمیت زیادی برخوردار است و به‌نوعی آن را سرمایه و تضمین‌کنندهٔ خوشبختی می‌دانند.

مهم‌ترین کار برای حوزهٔ جنسی در ایران، مطرح کردن برخی از موضوعات و خارج کردن آن از حالت تابو و پرداختن به آن مانند سایر امور طبیعی زندگی است. تا جایی که می‌شود، باید نهادهای مختلف مانند خانواده، مدارس، دانشگاه، وزارت بهداشت و هر ارگانی که با انسان و امیال انسانی سروکار دارد، به آگاهی و آموزش درست به کودکان و جوانان بپردازد. تا زمانی که در ظاهر نشان دهیم که هیچ خبری نیست و امیال جنسی را به حاشیه برانیم، آسیب‌ها و پیامدهای جنسیت و مسائل جنسی گسترده‌تر می‌شود. این مسئله در تلاقی با تمام جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، دینی، اقتصادی و حتی سیاسی است. نادیده گرفتن آن یعنی نادیده گرفتن برخی سوءاستفاده‌های پزشکی، بلوغ زودرس، بیماری‌های جنسی و مقاربتی و نابودی زندگی هزاران جوان و دختر. تنها راه‌حل و پیشنهاد، آموزش، آگاهی و برخورد منطقی با مقوله‌های جنسی و جنسیتی در جامعه است.

منابع

- اباذری، یوسف و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷). «جامعه‌شناسی بدن و پاره‌ای مناقشات». پژوهش زنان، ۶(۴)، ۱۶۰-۱۲۷.
- انواری، زهره (۱۳۹۸). مری داگلاس. تهران: نشر انسان‌شناسی با همکاری انجمن انسان‌شناسی.
- پولاک، ادوارد (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان). ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: انتشارات خوارزمی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۹۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- خزائی، طاهره (۱۳۹۸). «خود زنانه در گذار به زنانگی هژمون؛ فهم بدن زنانه و روایت تنش‌های تجربه‌شده زنان ایرانی مهاجر در فرانسه». فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۶(۸۴)، ۱۵۵-۱۸۷.
- دریفوس، هیوبرت و رابینو، پل (۱۳۸۹). میشل فوکو، فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک. ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- شریفی‌راد، علی‌اصغر و زرگوش‌نسب، عبدالجبار (۱۳۹۱). «مبانی فقهی جراحی بکارت». مجله تحقیقات نظام سلامت، ۸(۳)، ۴۵۶-۴۶۵.
- قربان صباغ، محمودرضا و همکاران (۱۳۹۷). «انقیاد و قدرت بدن زنانه در رمان سرگذشت ندیمه نوشته مارگارت اتوود». فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، ۵۱(۳)، ۱۰۳-۱۲۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. ویراست چهارم. تهران: نشر نی.
- موسوی، منصوره (۱۳۹۷). تابوی زنانگی. چاپ اول. تهران: انتشارات فیروزه.
- ودادهیر، ابوعلی و ثقفیان، سپیده (۱۳۹۶). «سکسوالیته در مردم‌شناسی؛ شکل‌گیری و تحولات مفهومی و پژوهشی جاری و آتی آن». نامه انسان‌شناسی، ۱۴(۲۴)، ۱۵۱-۱۷۸.
- پرسش و پاسخ‌های دینی در سایت مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی
<https://www.pasokhgoo.ir/node/77033>
- راستین، سیما (۱۳۹۳). در انتظار انقلاب جنسی. سایت رادیو زمانه
<https://www.radiozamaneh.com/154973>
- Ayuandini, S. P. (2017). *For One Drop of Blood: Virginity, Sexual Norms and Medical Processes in Hymenoplasty Consultations in the Netherlands*. The University of Amsterdam.
- Azal Ahmadi, (2016). *Recreating Virginity in Iran: Hymenoplasty as a Form of Resistance. Medical Anthropology Quarterly, American Anthropological Association.*
- Cooper, R., & Nylander, L. (2010). *Constructing Sexuality and Virginity an Anthropological Analysis of Slidkrans in Sweden. SIMT20*. Master's Thesis. Department of Social Anthropology. LUND University.

- Carpenter, L. (2002). *Gender and the Meaning and Experience of Virginity Loss in the Contemporary United States*. Gender and, Sociologists for Women in Society, Johns Hopkins University.
- Foucault, M. (1982). The Subject and Power. In *Dreyfus and Rabinow*.
- Günel, G., Varma, S., & Watanabe, C. (2020). A *Manifesto for Patchwork Ethnography*. Gökçe, Saiba Varma, and Chika Watanabe, Member Voices, Fieldsights, June 9. <https://culanth.org/fieldsights/a-manifesto-for-patchwork-ethnography>.
- Adelman, H. T. (2008). Virginity: Women's Body as a State of Mind: Destiny Becomes Biology. *Studies in Jewish History and Culture*, 17, 179-213.
- Douglas, M. (1966). *Purity and Danger: An Analysis of Concepts of Pollution and Taboo*. London: Routledge.
- Nagpal, M., & Sathyanarayana, R. T. (2016). Virginity- An Update on Uncharted Territory. *Reprod Syst Sex Disord*, 5, 178.
- Vimbai Sharon Matswetu and Deevia Bhana (2018). Humhandara and hujaya: Virginity, Culture, and Gender Inequalities among Adolescents in Zimbabwe. *Special Collection - Reproductive Health in Sub-Saharan Africa*, 2018, 1-11.

